

# لایروبی زمان

نگاهی به طراحی‌های امید مشکسار در گالری «ا»  
آبان و آذر ۹۳

هدا اربابی

گشایش گالری اُ فرصت و فضای مناسبی را برای تماشای مفصل‌تر و با ارائه بهتر بخشی از حاصل کارهای او در این بازه چندین ساله فراهم آورد.

آثار به نمایش درآمده مجموعه‌ای از طراحی‌های مشکسار هستند که با مرکب روی کاغذ کشیده شده‌اند و همان جهانی که او در طی سالیان به تدریج به آن صورت بخشیده را گسترش می‌دهند؛ فیگورهای انسانی که با پرداختی ماهرانه در پس‌زمینه‌ای غریب یا مغشوش ظاهر می‌شوند و صحنه‌ای از داستانی مجهول که پیش و پس‌اش را نمی‌دانیم مجسم می‌کنند. وجه روایی این آثار بیشتر از راه‌هایی که از ذهنی آشنا با سازوکارهای سینمایی برآمده سامان داده می‌شود؛ از طریق ثبت فیگورها در یک آن فرّار، و مکث کردن روی لحظه‌ای به شدت گذرا. گاهی در نوع خط‌گذاری‌ها و یا تکنیک کار با جوهر خشک بخش‌هایی از تصویر چنان محو و لرزان ترسیم شده است انگار که فیلمی را pause کرده باشیم،



امید مشکسار پیش از این اینجا در دورانی کم رونق‌تر از امروز یکی دو نمایشگاه بیشتر از طراحی‌ها و چاپ‌های دستی‌اش برگزار کرده بود که نتیجه آن هرچه بود ظاهراً چنان نبود که در خود هنرمند رغبتی برای برگزاری نمایشگاه‌های مرتب و متوالی به وجود بیاورد، و به کار برای او دشوار مراد به با گالری‌دار و تماشا شدن و پاسخ گفتن و... بیارزد. نمایشگاه

مثل نگاه تجسس‌گری که به دنبال چیزی گم شده در لابه لای انبوهی از راش‌های دور ریز زندگی آدم‌های معمولی است. حاصل این کاویدن و آنچه مشکسار بر آن متوقف شده پیش چشم ماست، بی‌آنکه داستان‌ها را باز بشناسیم یا موضوع تجسس او را بدانیم به آنها خیره می‌شویم و جلو هر اثر که می‌ایستیم در کاوش او سهیم هستیم و چیزی می‌یابیم؛ هاله‌تاقی‌های

امید مشکسار  
جوهر روی مقوا  
۱۵۰×۱۳۶ سانتی‌متر  
۱۳۸۹

مخروبه پیش روی زنی که تا نیمه در آب فرورفته، و میوه کاج که کنار مردی که درگیر کشتی غریبی ست روی زمین افتاده، کمربندی که دور شمشیر پسر بچه پیچیده شده است... جریان بی‌وقفه زندگی در لحظه‌ای غیرمنتظره نگه داشته شده، همه چیز به ناگاه کش آمده و روابطی گنگ و نامعلوم پیدا شده است. چیزی در مرز کشف و آشکارگی ست. در بعضی کارها تیرگی حاشیه‌های تصویر و هاشورهایی که روی سطح گسترده کاغذ خطوط منحنی ساخته‌اند حس نگاه کردن از داخل لوپ و سرک کشیدن به دنیای درونی و شخصی آدم‌ها را تشدید می‌کنند. فیگورها در حالتی بین کنش‌های روزمره در عادی‌ترین شکل آن و عوالم درونی‌شان سیر می‌کنند. مشکسار ابزارهایش را به کار می‌گیرد تا تصاویری خلق کند که گویی حاصل برهم افتادن لایه‌های مختلفی از هستی انسانی هستند؛ در یک لایه زندگی با افعال بیرونی آن جریان دارد و در لایه‌ای دیگر امیال فروخورده، یادها، ترس‌ها،... بر صفحه حساس کاغذ ظاهر شده‌اند. همراه با این آمد و شد مابین دو دنیای درون و بیرون، آدم‌ها و اشیاء و خاشاک و بود و غبارهای مُعلقی جابه جا شده‌اند که نمی‌دانیم متعلق به کدام نیمه‌اند.

(راست)  
امید مشکسار  
جوهر روی مقوا  
۵۰×۷۰ سانتی‌متر  
۱۳۸۸

(چپ)  
امید مشکسار  
جوهر روی مقوا  
۵۰×۷۰ سانتی‌متر  
۱۳۹۰

این پس‌زمینه‌ها با قواعد متفاوت و غبارهای پراکنده به فضای کلی شدت و حدت می‌بخشند. آثار موفق‌تر او گویی درست در لحظه فوران یک یاد یا میل خلق شده‌اند؛ لحظه‌ای که دنیا در بیرون می‌ایستد و چیزی در درون منبسط و گشوده می‌شود.

این توصیف در اندازه‌های متفاوتی با آثار مختلف او قابل انطباق است. بعضی کارها به ترسیم دنیای بیرون متمایل‌ترند و بعضی دیگر یکسره موقعیتی درونی را ثبت می‌کنند. مردی که زیر رگبار با بدنی نحیف و دنده‌های برآمده در آب شناور است و از لای پلک‌های افتاده‌اش با نگاهی خالی مارا می‌نگرد، هر چند همه چیزش با منطق و اقتضات جهان ملموس اطرافمان جور در می‌آید، اما چنان تصویر شده که قانع‌مان می‌کند مستقیماً به درون کسی چشم دوخته‌ایم که مدت‌هاست - چه مدت؟ - در حالی غوطه‌ور است.

بعضی کارها هم از این توصیفات فاصله می‌گیرند. از جمله در اثری که مردی را در حالتی شبیه به استارت دو نشانمان می‌دهد و وجه ناکجا آبادی اثر پررنگ شده و از جنس دیگری است. اینجا گویی کمتر با عوالم درونی

سرو کار داریم و تصویر خلق شده بیشتر از جنس تخیلات آخرالزمانی در برهوتی غریب ست.

اگر بشود هنر را نوعی واکنش به زمان دید؛ موضع‌گیری و برخاستن و پنجه انداختن با قدرتی که بی‌تردید پیره و قهار است، در آن صورت برای من کارهای امید مشکسار نوعی دادستانی از زمان‌اند. آدم‌هایش از لایروبی لایه‌های مجهول در زمان‌های بسیار دور یا نزدیک درآمده‌اند. و صحنه‌هایی که ترسیم می‌کند مثل تنها بقایا و خرده‌ریزه‌های به جا مانده از داستان بی‌همتا و حیات بی‌بدیل معمولی‌ترین آدم‌ها هستند. هراترش مثل غنیمتی از شیخون به دریای بی‌تفاوت زمان است و تلاش برای مکث کردن بر چیزی که در سیل جریانی بی‌وقفه گم خواهد شد. ■

